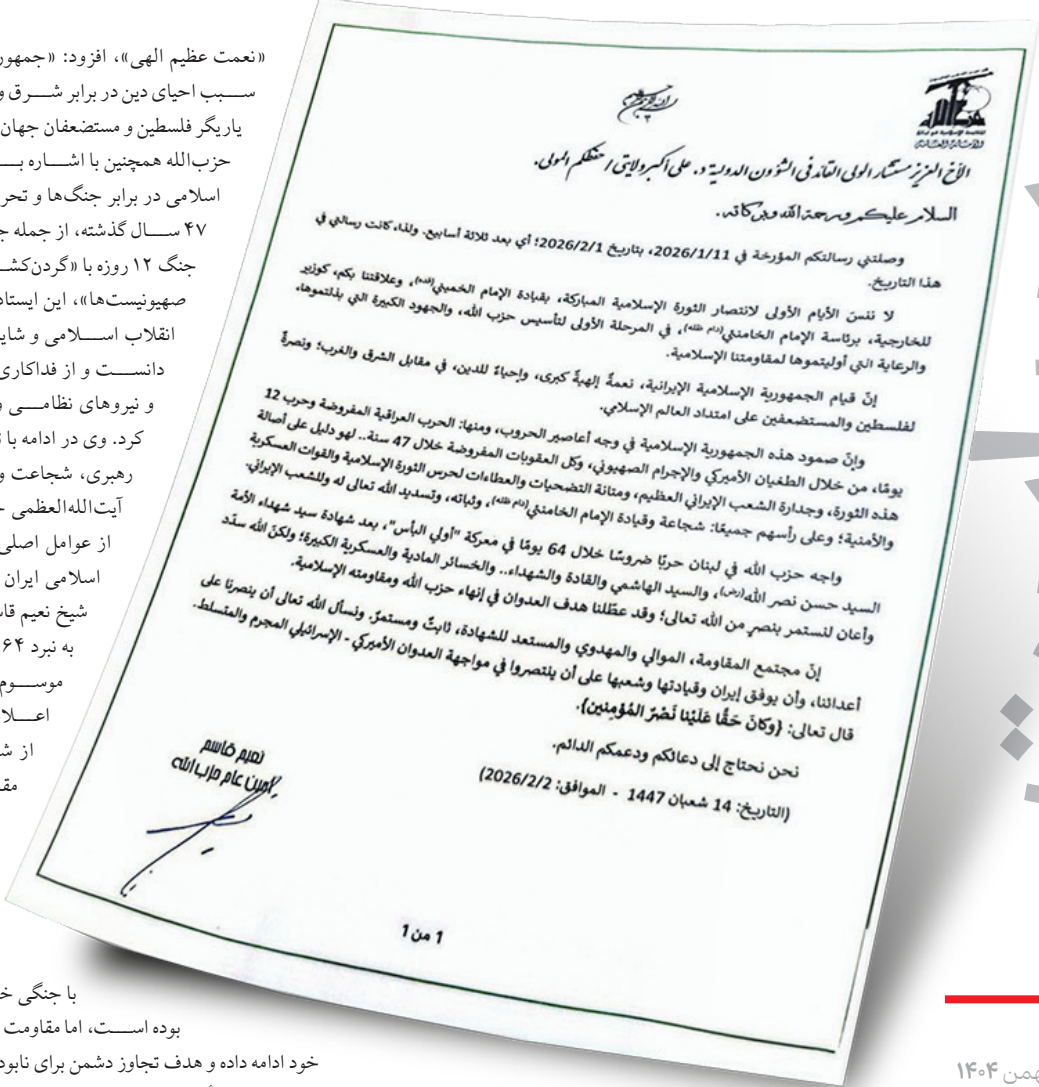


شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان به نامهٔ حمایتی دکترولایتی پاسخ داد

آماده‌تر از همیشه هستیم



دبیرکل حزب‌الله لبنان در نامه‌ای به دکتر علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل تأکید کرد که «جامعه مقاومت، جامعه‌ای وفادار، مهدوی و آماده شهادت است و با ثبات قدم راه خود را ادامه می‌دهد.» این نامه شیخ نعیم قاسم، پاسخ به نامه دکتر ولایتی است که چندی پیش و پس از درگذشت پدر سیدحسن نصرالله نوشته شد. در آن نامه، ولایتی به پیشینه روابط و تعاملات میان شیعیان لبنان و ایران پرداخته بود.

تأکید بر اصالت ایران و شایستگی ملت ایران

دبیرکل حزب‌الله لبنان، با اشاره به نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مقاومت و ملت فلسطین، تأکید کرد که حزب‌الله لبنان در نبرد اخیر با وجود شهادت فرماندهان و خسارات گسترده، توانسته است اهداف تجاوز دشمن را ناکام بگذارد. وی در این نامه با بیان اینکه نامه دکتر ولایتی حدود سه هفته پس از نگارش به دست او رسیده و پاسخ نیز به همین دلیل با تأخیر آماده شده است، خاطرنشان کرد: «حزب‌الله لبنان تلاش‌ها و حمایت‌های دکتر ولایتی در نخستین مراحل تأسیس حزب‌الله و دوران وزارت خارجه وی را فراموش نخواهد کرد.»

شیخ نعیم قاسم با توصیف پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان

«نعمت عظیم الهی»، افزود: «جمهوری اسلامی ایران سبب احیای دین در برابر شرق و غرب شده و همواره یاریگر فلسطین و مستضعفان جهان بوده است.» دبیرکل حزب‌الله همچنین با اشاره به مقاومت جمهوری اسلامی در برابر جنگ‌ها و تحریم‌های تحمیلی طی ۴۷ سال گذشته، از جمله جنگ تحمیلی عراق و جنگ ۱۲ روزه با «کردن‌کنشی آمریکا و جنایت صهیونیست‌ها»، این ایستادگی را نشانه اصالت انقلاب اسلامی و شایستگی ملت ایران دانست و از فداکاری‌های سپاه پاسداران و نیروهای نظامی و امنیتی ایران تقدیر کرد. وی در ادامه با تجلیل از مقام معظم رهبری، شجاعت و ثبات قدم حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(دام‌ظله) را از عوامل اصلی پایداری جمهوری اسلامی ایران برشمرد.

شیخ نعیم قاسم همچنین با اشاره به نبرد ۶۴ روزه حزب‌الله لبنان موسوم به «اولی‌الیاس»، اعلام کرد که این نبرد پس از شهادت سید شهادی مقاومت سید حسن نصرالله(رضوان‌الله

علیه)، سیدهاشم صفی‌الدین و جمعی از فرماندهان و شهدا، با جنگی خونین و بی‌امان همراه بوده است، اما مقاومت با یاری الهی به مسیر

خود ادامه داده و هدف تجاوز دشمن برای نابودی حزب‌الله را ناکام گذاشته است. وی تأکید کرد جامعه مقاومت، جامعه‌ای وفادار، مهدوی و آماده شهادت است و با ثبات قدم راه خود را ادامه می‌دهد.

دبیرکل حزب‌الله لبنان در پایان این نامه با استناد به آیه شریفه «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ»، خواستار استمرار دعا و حمایت شد و برای پیروزی ملت ایران و جمهوری اسلامی در برابر دشمنان آمریکایی و صهیونیستی دعا کرد.

پیوند ایران و لبنان از صفویه تا انقلاب اسلامی

در نامه‌ای که علی‌اکبر ولایتی، دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی پس از وفات پدر شهید سیدحسن نصرالله به شیخ نعیم قاسم نوشته بود، از مرحوم سیدعبدالکریم نصرالله به‌عنوان مجاهد صبور یاد شده و درگذشت او به محضر مقام معظم رهبری و به کلیه بزرگان، علما، مجاهدان راه اسلام و خانواده معزز آن مرحوم تسلیت گفته شده بود. ولایتی سپس با اشاره به پیشینه تاریخی همدلی و همکاری شیعیان جبل‌عامل و ایران – به‌ویژه علمای بزرگ و مشعل‌داران راه اهل‌بیت‌علیهم‌السلام – نکاتی را بیان می‌دارد.

در بیان نکته اول ولایتی می‌نویسد: «نخستین ارتباط ثبت‌شده میان علمای شیعه جبل‌عامل و یک حکومت شیعی در تاریخ، نامه‌ای است که آخرین امیر سرداران، مؤیدالدین علی، طی آن در سال ۷۸۶ هجری قمری از محمد بن مکی (شهید اول) – از علمای

پهلوی‌چی‌ها این بار با همکاری پلیس آلمان دست به رقم‌سازی زدند

پهلوی عدد نمی‌فهمد

«بیش از ۲۳۰ هزار نفر در این فستیوال فرهنگی شرکت کردند.» رسانه‌ها می‌گویند تعداد افراد شرکت‌کننده در کنسرت علیرضا قربانی که در سه دوره زمانی برگزار شده فقط در شهر تهران، ۲۳۰ هزار نفر بوده است؛ «۵۰ هزار تماشاگر» بیننده دربی تهران در اسفند ۱۴۰۳ بودند؛ آن‌هم به خاطر آنکه ورزشگاه آزادی در دست تعمیر بود و الا تمام ظرفیت ورزشگاه آزادی، قابل استفاده بود. اگر نگاهی به عده‌ها و جمعیت‌های حاضر در داخل کشور در رویدادها و فستیوال‌های مختلف فرهنگی، ورزشی و مذهبی منهای رویدادهای سیاسی بیندازیم، اعدادی به مراتب بیشتر هم یافت می‌شود. برای آن‌ها که هنوز از اعداد و ارقام سر درمی‌آورند این اعداد معنای روشنی دارد. اگر با همین پیش‌فرض به ارقام ادعایی تجمع مونیخ که تصاویر دقیقی هم از آن وجود ندارد، نگاه کنیم به نتایج روشنی می‌رسیم. البته به نظر می‌رسد ارقام ادعاشده آنقدر دور از واقعیت است که برای درج پهلوی هم اسباب تعجب شده است. او در پاسخ به خبرنگار که پرسید چه احساسی دارید که ۲۵۰ هزار نفر در مونیخ تجمع کردند، گفت: «واقعاً شده ۲۵۰ هزار نفر؟ من شنیده‌بودم، ۱۰۳ هزار نفر.» رسانه‌های فارسی‌زبان موساد از پیش از این مراسم تصور می‌کردند محل تجمع به طور کامل پر خواهد شد و بر همین اساس از قبل عدد ۲۵۰ هزار نفر را برای خبرهایشان آماده کرده بودند و از قضا همین رانین تیتز خبر کردند اما در درون همان خبر، با وجود تأکید به حضور ۲۵۰ هزار نفر، صراحتاً اعتراف کرده بودند که «تا لحظه تنظیم این گزارش جمعیت حاضر در تجمع مونیخ ۸۰ هزار نفر تخمین‌زده می‌شود.» البته عدس‌سازی این روزها تبدیل به عادت روزمره رسانه فارسی موساد شده است. اما واقعیت جزئیات دقیق‌تری می‌گوید.

عدد نمی‌فهمید

اگر آنچه ادعای رسانه‌های فارسی‌زبان و رسانه‌های در خدمت موساد را جدی بگیریم، یعنی در مکان برگزاری تجمع مونیخ که مساحت آن به ۴۲ هکتار می‌رسد، می‌بایست جمعیتی حدود ۵۰۰ هزار نفر جای بگیرد. اما به نظر می‌رسد در میان اپوزیسیون در مورد رقم واقعی تجمع اختلاف نظرهایی وجود دارد. افشاری یکی از چهره‌های اپوزیسیون ایرانی، کمی دست بالا گرفته و نوشته با توجه به تصاویر و میزان ظرفیتی که این منطقه دارد، تعداد کل شرکت‌کنندگان حاضر در این تجمع نهایتاً «به عدد ۴۰ تا ۶۰ هزار

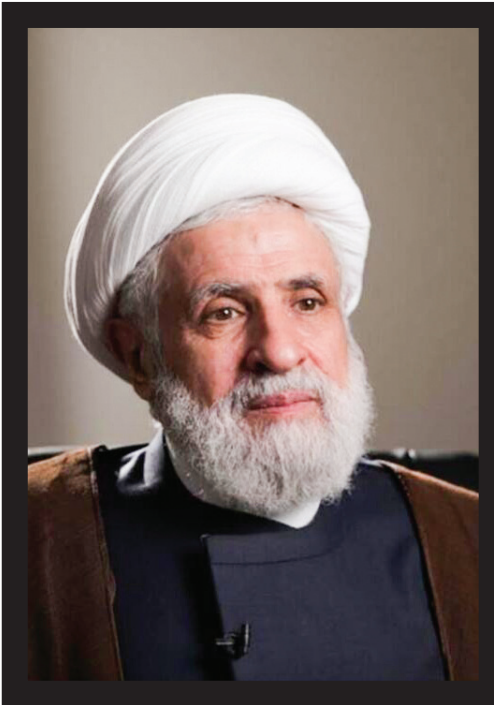


بزرگ جبل‌عامل – به‌عنوان ولی‌فقیه دعوت کرد تا برای سامان‌دهی مسائل شرعی مردمان خراسان، سبزوار، بیهق و بخش‌های وسیعی از مناطق تحت نفوذ سرداران، به آن دیار هجرت کند تا این مناطق بتوانند در چهارچوب فقه شیعه اثنی‌عشری عمل نمایند. هنگامی که این نامه به شهید اول رسید، ایشان در زندان و در آستانه شهادت به‌دست حکومت مصر بود. وی در مدت یک هفته و با در دست داشتن کتاب «المختصر النافع فی‌فقه الإمامیه» تألیف محقق حلی، کتاب «اللمعة الدمشقیة» را نگاشت و برای مؤیدالدین علی ارسال کرد و پس از آن، در همان سال ۷۸۶ هجری قمری، به شهادت رسید.

در بخش دیگر نامه ولایتی به شیخ نعیم قاسم به فشار عثمانی برای مسیحی شدن شیعیان اشاره شده و آمده است: «به‌عنوان نمونه، میشل عون، رئیس‌جمهور پیشین لبنان، در دیدار با اینجناب تصریح کرد که اجداد آنان شیعه بوده‌اند و بخشی از آنان به سبب فشار عثمانی‌ها به مسیحیت گرویده‌اند.»

ولایتی در ادامه به ولی‌فقیه شدن محقق کرکی، عالم متولد جبل‌عامل لبنسان برای کل ایران می‌پردازد. در این بخش آمده: «در عصر صفوی پس از وفات شاه اسماعیل، شاه طهماسب از سال ۹۲۰ تا ۹۸۴ هجری قمری، یعنی حدود پنجاه‌وچهار سال، حکومت کرد و از مهم‌ترین و مقتدرترین پادشاهان صفوی به شمار می‌آید. شاه طهماسب رسماً اعلام کرد تابع ولی‌فقیه است. در همین دوره پایتخت ایران به دلیل خطر سقوط به دست عثمانی‌ها از تبریز به قزوین منتقل شد و ولی‌فقیه وقت، محقق کرکی – معروف به محقق ثانی – بود که از بزرگ‌ترین فقهای شیعه به شمار می‌رفت و به دلیل فشار عثمانیان از جبل‌عامل به ایران هجرت کرده بود. وی عملاً ولی‌فقیه سراسر ایران شد و حکم پادشاهی شاه طهماسب صفوی را تنفیذ کرد. شاه طهماسب بزرگ‌ترین بلکه التماس از قدرت‌های خارجی برای حمله نظامی به ایران است. از آن عالم بزرگ تحقق یافت.»

در ادامه نامه، با اشاره به تغییر پایتخت ایران از تبریز به قزوین، آمده: «به برکست مهاجرت علمای جبل‌عامل، قزوین در این دوره به مرکزی برای



جذب شیعیان مناطق مختلف تحت سلطه عثمانی، به‌ویژه جبل‌عامل، تبدیل شد. بزرگانی چون شیخ بهایی پس از شهادت شهید ثانی، به همراه خانواده خود به ایران آمدند و در مسیر شکوفایی علمی ایران نقش آفرینی کردند. محقق کرکی شاگردان بزرگی را تربیت کرد و استمرار این جریان علمی، زمینه‌ساز ظهور چهره‌هایی چون میرداماد، ملاصدرا، میرفندرسکی، مجلسی اول و دوم و دیگر بزرگان شد.»

ولایتی سپس به پیوند رهبر نهضت عظیم انقلاب اسلامی ایران با مقاومت پرداخته است: «امروز نیز در ایران، حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه – به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و بصیرترین عالمان شیعه پس از عصر غیبت – ساختار جهان دوقطبی شکل گرفته پس از پالنا را دگرگون کرد. در آن دوران، هر کشوری که قصد مقابله با استعمار کهنه و نو را داشت، ناچار بود به یکی از دو قطب شرق یا غرب تکیه کند. امام خمینی(ره) از نخستین روز شعار «نه شرقی، نه غربی» را مطرح کردند و این شعار بر سر در وزارت امور خارجه نقش بست.»

در پایان‌نامه به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اشاره شده، کسی که هم از میراث‌داران محقق کرکی است و هم از میراث‌داران میرداماد. در این بخش آمده است: «نکته شگفت‌انگیز آن است که تقدیر الهی چنین رقم‌زده که امروز پرچم امت اسلامی – اعم از شیعه و سنی – در دست شخصیتی قرار دارد که از یک‌سو از میراث‌داران محقق کرکی و ازسوی‌دیگر از میراث‌داران میرداماد، رأس حکمای شیعه در عصر صفوی، به شمار می‌رود و ایشان کسی نیست جز مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای(مَظَلَّه‌العالی)... ایستادگی ایشان در رأس امت اسلامی از پایگاه ایران الهی، سرزرمینی با پیشینه‌ای چندهزارساله از توحید و مپهن‌دوستی، بر کسی پوشیده نیست.

در پایان، یقین دارم به حول و قوه الهی و با استعانت از حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ستون اصلی مقاومت، بدون هیچ قصدی برای تعرض به دیگران، آمادگی کامل دارد در برابر هرگونه تهدید و دشمن خارجی، به‌ویژه آمریکای جنایت‌کار و زاننده خیبت آن، رژیم صهیونی، ایستادگی کند و قطعاً پیروزی از آن جبهه مقاومت خواهد بود، ان‌شاءالله.»

جبهه مقاومت خواهد بود، ان‌شاءالله.

را داوطلبانه جا می‌زنند، اما به این سؤوال اساسی جواب نمی‌دهند که چرا شهروندان خارج‌نشین باید در یک تجمع ملی به نام مردم ایران حضور پیدا کنند و اساساً حضورشان جز اضافه کردن به سیاهی لشکران که طبعاً رایگان هم نبوده، معنای دیگری هم دارد؟

تا حالا کجا بودید؟

صرف‌نظر از عدس‌سازی‌های این جماعت، چند سؤال را باید از آنان پرسید. این جمعیت اصطلاحاً آزادی‌خواه ایران، در روزهایی که ایران، تحت حمله رژیم صهیونیستی بود، کجا بودند؟ در روزهایی که ایران تحت تحریم‌های شدید قرار داشت تا آنجا که زندگی مردم را در حوزه‌هایی مثل سلامت و تأمین دارودچار مشکل کرده بود، چرا فریاد آزادی‌خواهی‌شان بلند نشد؟ اساساً به‌جز زمان حاضر و اتفاقات ۱۴۰۱ که در آن هم پای قدرت‌های خارجی وسط بود، این جمعیت چندبار بدون انگیزه و اهداف سیاسی و تنها برای دفاع از حق مردم ایران به خیابان آمده‌اند؟ پاسخ به این پرسش‌ها تا حد زیادی این ابهام را برطرف می‌کند که انگیزه حاضران در این تجمعات، واقعاً دفاع از مردم است یا پای انگیزه‌ها و انتفاعات دیگری وسط است. البته اگر نام‌فراخوان‌سازی‌ها، مقدمه‌چینی‌ها برای حمله نظامی و ترغیب قدرت‌های خارجی برای حمله نظامی به ایران را دفاع از مردم بگذاریم؛ این تجمع، دفاعی تمام‌قد از مردم ایران محسوب می‌شود. اما نگاهی به سناریوی از پیش طراحی‌شده برای این تجمعات نشان می‌دهد حتی حاضران در تجمع هم متوجه این نیستند که آنچه آن‌ها برایش به خیابان آمدند، به اسم مطالبه آزادی، خود و مخاطب ایرانی را فریب می‌دهند، نه تنها آزادی برای مسردم به همراه نخواهد آورد، بلکه هیچ انتفاع دیگری هم برای مردم ایران ندارد. آن‌ها تنها ابزاری برای رژیم صهیونیستی و آمریکا برای شروع جلوه‌دادن حملاتشان به ایرانند. کاری که پیش از این عده‌ای در عراق کردند و پای آمریکا را به کشورشان باز کردند تا محصول این دعوت نزدیک به یک‌میلیون کشته و زخمی عراقی باشد. این جماعت اگرچه دچار توهم آزادی‌خواهی برای ایرانند در واقعیت، تبدیل به جماعت اجاره‌ای دشمنان ایران شده‌اند تا هرزمان که کارفرمایشان خواست دهان باز کنند و خواستار حمله نظامی به آب و خاک‌شان شوند. جدا از اینکه این رادیکالیسم ناپاک، چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد، تاریخ قضاوت سختی در برابر این حجم از وطن‌فروشی خواهد داشت.